

مطالعات ادبیات تطبیقی در دانشگاه لیسبون^۱

آلمیدا فلور، دانشگاه لیسبون
ترجمه مؤده دقیقی*

مقدمه

این گزارش که سه دهه قبل تدوین گردیده است، بیانگر سیر تحول ادبیات تطبیقی در دانشگاه لیسبون پرتغال از دهه ۱۹۳۰ میلادی است. نویسنده از دو استاد پرتغالی به نام‌های پرفسور لاپا و پرفسور کوئلیو یاد می‌کند که آغازگر مطالعات ادبیات تطبیقی در دانشگاه لیسبون بوده‌اند. پس از چندین دهه تلاش بالاخره در اواخر دهه هشتاد دانشجویان لاپا و کوئلیو موفق شدند موافقت مسئولان دانشگاه را برای راه‌اندازی رشته ادبیات تطبیقی به صورت گروه مستقلی در دانشگاه لیسبون کسب کنند. این اقدام در کنار ایجاد ارتباطات علمی با دانشگاه‌های معتبر دنیا، برگزاری همایش‌های بین‌المللی و دعوت از صاحب‌نظران رشته ادبیات تطبیقی، تأسیس انجمن ملی و چاپ مجله وزین و تخصصی *دالوس* در دانشگاه لیسبون — که انتشار آن تا زمان حال ادامه دارد — موجب گردید که پژوهشگران جوان و علاقه‌مند پرتغالی بتوانند تحصیلات خود را تا مقطع دکتری در این رشته ادامه دهند و، بدین‌سان، هم ادبیات ملی خود را به سایر ملل معرفی کنند و هم در غنی‌تر ساختن ادبیات ملی خود سهیم شوند. (ع.ا).

¹ Flor, J. Almeida. "Comparative Studies at the University of Lisbon: A Note on Recent Developments." *Yearbook of Comparative and General Literature*. 37(1988): 153-154.

* مترجم و ویراستار

پیام‌نگار: daghighim@gmail.com

در مقاله کوتاهی که پنجاه سال پیش در نشریه *آ دیابو*^۱ منتشر شد، پرفسور رودریگیش لاپا^۲ از دانشگاه لیسبون این نظر را مطرح کرد که مطالعات ادبیات تطبیقی عمدتاً به بررسی جامع و دقیق تأثیراتی می‌پردازد که در پرورش استعداد نویسندگان و تبیین جایگاه آنان در فضای روشنفکری زمانه‌شان مؤثر بوده است.

او همچنین از فیدلینو دِ فیگئیردو^۳، ارنانی سیداده، ویتورینو نِمزیو، کاستلو برانکو شاویش و مارکس براگا^۴ به عنوان بزرگ‌ترین استادان پرتغالی نام می‌برد که با توجه به فرضیات نظری و نقد کاربردی پل وان تیگم، اتو آنشرل و فلیکس والتر^۵، ضرورت عبور از مرزهای تنگ ملی و پذیرفتن رویکردی جهانی به تاریخ ادبیات را دریافته بودند.

لاپا در پایان مقاله خود مؤکداً توصیه می‌کرد که مطالعات تطبیقی باید به عنوان پیش‌نیاز پژوهش در زمینه ادبیات پرتغالی به برنامه آموزشی دانشگاهی اضافه شود. دانشجویان از طریق این رشته به دانش جمعی از سنت فرهنگی غربی دسترسی می‌یابند و، بدین‌سان، برای کندوکاو در جریان‌های ادبی و ویژگی‌های خاص دوره‌های مختلف تاریخ ادبیات پرتغال آماده می‌شوند.

طی چند دهه اخیر، نشانه‌های آشکاری از علاقه روزافزون به تطبیق‌گری به شیوه استادان دانشگاه لیسبون که با اشتیاق از نظرات لاپا و روش نو و بینارشته‌ای او استقبال کردند به چشم می‌خورد.

مقالات پرفسور خاسینتو دو پرادو کوئلیو^۶ که مرگ نابهنگامش در ۱۹۸۴ به دوره درخشان پژوهشی او پایان داد، گواهی است بر تغییری تدریجی که با پیدایش و تأثیر فراگیر نظریه ادبی و تحلیل متن در مطالعات ادبیات تطبیقی پدید آمد. در نتیجه، اصول اثبات‌گرایانه سنتی مورخان ادبی رفته‌رفته از چشم نسل جوان‌تر افتاد؛ این نسل

^۱ *O Diabo*

^۲ Rodrigues Lapa

^۳ دو مقاله از Fidelino de Figueiredo با عناوین “Comparative Literature and Source Criticism” (۱۹۱۲) و “On Comparative Criticism” (۱۹۳۵) با ترجمه و مقدمه و معرفی پرفسور

کلاوس کلور در *سالنامه شماره ۳۴* (۱۹۸۵)، ص ۷-۱۳ منتشر شده است.

^۴ Hernani Cidade, Vitorino Nemésio, Castelo Branco Chaves, Marques Braga

^۵ Paul Van Tieghem, Otto Anscherl, Felix Walter

^۶ Professor Jacinto do Prado Coelho

جریان‌های تازه‌تر ساختارگرایی، پدیدارشناسی، نشانه‌شناسی، دریافت زیباشناسانه یا هرمنوتیک را دنبال می‌کرد و پیوسته عقاید و دستاوردهای کاربردی تطبیق‌گران پیش‌کسوت را بررسی می‌کرد.

با این وصف، تأکید بر این نکته لازم است که کار این پیشگامان در مورد تعریف اهداف، ویژگی‌ها، مفاهیم و ابزارهایی که زمینه را به‌طور جدی برای تفسیری متفاوت از ادبیات پرتغالی در چارچوب گفت‌وگوی بین‌فرهنگی مهیا کرده‌اند، فوق‌العاده حائز اهمیت بود. آثار ایشان تا به امروز همچنان منبع بی‌پایان الهام و نمونه برجسته مسئولیت حرفه‌ای و تعهد مستمر به آرمان‌ها و روندهای پژوهش تطبیقی است.

با وجود معیارهای دانشگاهی و برجسته پژوهش‌های کونلیو و جانشینان بلافصل او و اعتباری که کار آنان کسب کرد، متأسفانه مسئولان دانشگاه‌های پرتغال خیلی دیر به اهمیت رشته ادبیات تطبیقی پی بردند و علی‌رغم تلاش‌های فراوان از اعطای مرتبه گروه دانشگاهی مستقل به ادبیات تطبیقی خودداری کردند. این امر شاید تا حدی ناشی از این واقعیت باشد که اولیای امور در گروه‌ها قابلیت ایجاد تغییرات عمیق و نوآوری در ساختار برنامه آموزشی را نداشته‌اند که آن‌هم به نوبه خود متأثر از فراز و نشیب‌های خط‌مشی دولت در زمینه آموزش عالی بود.

به این ترتیب، اکثر استادانی که همچنان به ادبیات تطبیقی علاقه‌مند بودند موفق به جلب حمایت مسئولان دانشگاه نشدند و ناگزیر شدند در انزوا کار کنند و سر خود را با انواع ادبی، دوره‌ها، بن‌مایه‌ها، تصاویر و ارتباط‌های متقابل بحث‌های شفاهی گرم کنند. در دهه ۱۹۸۰، پس از آنکه طراحی برنامه‌های درسی انعطاف بیشتری پیدا کرد و تا به حال این روال در دانشگاه‌های پرتغال ادامه یافته است— این وضعیت دستخوش تغییر عمده‌ای شد. هم‌زمان، گروهی از استادان مبتکر که به صورت فردی به عضویت انجمن بین‌المللی ادبیات تطبیقی^۱ درآمد، دریافتند که ترویج ادبیات تطبیقی وظیفه آنهاست. آنها معتقد بودند که زمان اتخاذ روش‌های روزآمد و بینارشته‌ای در این حوزه رسیده است.

در نتیجه آگاهی و عزم راسخ ایشان، دانشگاه لیسبون اخیراً نخستین درجه دکتری ادبیات تطبیقی خود را اعطا کرده است، و این موضوع اکنون به طور منظم در مقطع

¹ International Comparative Literature Association (ICLA)

کارشناسی در این دانشگاه ارائه می‌شود. این قبیل تحولات امیدبخش به‌طور قطع موقعیت و اعتبار رشته ادبیات تطبیقی را در پرتغال تقویت می‌کند و فرصت‌های بیشتری برای آغاز طرح‌های تحقیقاتی با همکاری مؤسسات دانشگاهی فراهم می‌آورد.

تأسیس انجمن ادبیات تطبیقی پرتغال^۱ در ۱۹۸۷ فضایی برای بحث و تبادل نظر درباره مسائل علمی، و ارتباطی مستمر با سازمان‌های مشابه وابسته به انجمن بین‌المللی ادبیات تطبیقی فراهم کرده است. از یک سو، متخصصان برجسته‌ای چون ایو شورل، دوئوه فوکما، کلاوس کلوور و راجر باوئر^۲ دعوت به سفر به لیسبون و ایراد سخنرانی یا برگزار کردن سمینار را در مناسبت‌های مختلف پذیرفته‌اند. از دیگر سو، پرفسور ماریا آلسیرا سیشو^۳، رئیس انجمن ادبیات تطبیقی پرتغال، و دیگر تطبیق‌گران پرتغالی در همایش‌ها و نشست‌های توکیو، مونیخ، پورتو آگره و لیموز ارتباط‌های ثمربخشی در سطح بین‌المللی برقرار کرده‌اند. علاوه بر اینها، کارگروه ویژه‌ای نیز برای کمک به تدوین فرهنگ بین‌المللی اصطلاحات ادبی تشکیل شده است.

ضرورت انتقال جدیدترین نتایج پژوهش‌های تطبیقی منجر به انتشار نخستین شماره مجله ددالوس^۴ شد. این نشریه که به مباحث ادبیات تطبیقی می‌پردازد در مارس ۱۹۸۹ هم‌زمان با اجلاس شورای اجرایی انجمن بین‌المللی ادبیات تطبیقی در لیسبون منتشر شد.

دانشگاه لیسبون با همکاری دانشگاه اِوِرا^۵ یک همایش بین‌المللی درباره ادبیات تطبیقی و نخستین کنگره ملی انجمن ادبیات تطبیقی پرتغال را به طور هم‌زمان برگزار کرد. برنامه کلی همچنین شامل نشست‌ها و کارگاه‌های کارگروه‌های انجمن بین‌المللی ادبیات تطبیقی درباره نظریه و ترجمه ادبی بود.

موضوع کلی همایش— «مطالعات ادبی، علم و هرمنوتیک» — به چند حوزه مهم تقسیم شده بود تا امکان ارائه رویکردهای مختلف به این موضوعات فراهم آید: ۱. تاریخ و تاریخ‌گرایی (نسبیت‌گرایی تاریخی و کثرت‌گرایی فرهنگی؛ تفاوت‌های روش‌شناختی و دیدگاه‌های تاریخی)؛ ۲. ترجمه و هرمنوتیک (دلالت‌های مشترک؛

^۱ Portuguese Comparative Literature Association (APLC)

^۲ Yves Chevrel, Douwe Fokkema, Claus Clöver, Roger Bauer

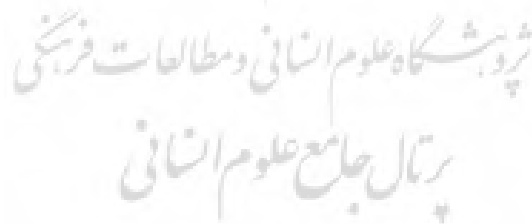
^۳ Professor Maria Alzira Seixo

^۴ *Dedalus*

^۵ University of Evora

ترجمه فرانتزیه^۱؛ تأویل کردن و تأویل‌ها)، ۳. روابط بینامعنائی^۲ (رویکرد علمی و تعریف الگوها؛ ادبیات و هنرهای دیگر). همه مقالات قریب به صد شرکت‌کننده از بیست کشور مختلف جمع‌آوری و ویرایش شد و در دو جلد (به ترتیب ۳۹۰ و ۳۳۰ صفحه) در سال ۱۹۹۰ به چاپ رسید.^۳

ارزش‌یابی کامل و دقیق تأثیرات عملی این اقدامات مدتی طول خواهد کشید. با این وصف، حضور تعداد کثیری از دانشجویان و اعضای هیئت علمی جوان دانشگاه در جلسات این همایش نشانه آن است که علاقه به ادبیات تطبیقی در آینده نزدیک افزایش خواهد یافت. این امر احتمالاً موجب تقاضای بیشتر برای ارائه درس‌ها و سمینارهای کارشناسی ارشد و دکتری به‌ویژه در حوزه‌هایی مانند ترجمه خواهد شد که به تدریج توجه پژوهشگران ادبی را در پرتغال به طور مستمر به خود جلب می‌کند. در هر حال، رئیس و اعضای انجمن ادبیات تطبیقی پرتغال مصمم‌اند که نگذارند این موج فروکش کند و تلاش می‌کنند تا معیارهای آکادمیک مورد انتظار دانشجویان و استادان را حفظ کنند.



¹ metatheory

² intersemiotic relations

³ *Os Estudos Literários: (Entre) Ciência e Hermêutica*. Proceedings of the First Congress of the PCLA. 2 vols. Publications of the Portuguese Comparative Literature Association, 1990. 390 and 330 pages.